دلم می رود وقتی برف می بارد.

من اصالت بودنم،من رمز رسیدنم،من باران زلالم،حادثه در حادثه خیالم.

هنوز می توانم تمامیت علم ریاضی را به نت های موسیقی بدل کنم.

ساکنم در عرفان فرعی و معنویت بدیهی.

خودشناسی من در سوگ خودم هستم.

من شادی بی پایانم.

روانشناس و روانپزشک شده ام.

در تفسیر بودن و نبودن واقع شده ام.